

سیزده سال بعد از عضویت افغانستان در محکمه بین‌المللی جزایی؛ افغانستان در کجایی کار آن محکمه قرار دارد؟

احسان قانع

چکیده

محکمه بین‌المللی جزایی در جولای ۲۰۰۲ به عنوان تنها محکمه دایمی بین‌المللی جزایی با هدف خاتمه دادن به فرهنگ معافیت از مجازات در سطح بین‌الملل عملاً شروع به کار کرد. افغانستان عضویت این محکمه را در ۱ می ۲۰۰۳ بدست آورد. براساس مفاد اساسنامه ژنوا سند تأسیس محکمه - جرایم مندرج ماده ۵ که عبارت اند جرم نسل‌کشی، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و جرم تعرض (ارتکاب جرم تعرض بعد از سال ۲۰۱۷)، هرگاه در قلمرو کشور عضو یا توسط اتباع آن ارتکاب یافته باشد، نمی‌تواند بدون رسیدگی عدلی و قضایی رها شود. این رسیدگی حق اولیه نهادهای عدلی - قضایی ملی است اما اگر این نهادها اراده یا توانایی رسیدگی را نداشته باشند، محکمه بین‌المللی جزایی باید وارد عمل شده و به آن جرایم رسیدگی نماید.

محکمه بین‌المللی جزایی تحقیقات مقدماتی خویش در مورد وضعیت افغانستان از سال ۲۰۰۷ شروع کرده است و تا اکنون شش گزارش مقدماتی را به نشر رسانده است. براساس یافته‌های این گزارش، دو نوع از جرایم مندرج ماده ۵ اساسنامه و تحت صلاحیت محکمه در قلمرو افغانستان بعد از تاریخ عضویت آن کشور در این محکمه توسط اتباع افغانستان و غیر افغانستان ارتکاب یافته است. دفتر خارنوالی محکمه که مسوولیت انجام و نشر این تحقیق را دارد، هنوز در پی ثابت کردن این امر است که آیا دولت افغانستان اراده و توانایی رسیدگی به این جرایم را دارد یا خیر. در صورت که پاسخ منفی باشد، محکمه مکلف می‌شود تا خود اقدام به رسیدگی

این جرایم حتی بدون ارجاع دوسیه توسط دولت افغانستان به این محکمه، نماید. در آخرین گزارش خود، دفتر خارنوالی گفته است که به زودی درخواست آغاز تحقیقات در مورد افغانستان را به قضات آن محکمه می‌سپارد.

در ذیل این چکیده، به موضوع صلاحیت‌های محکمه بین‌المللی جزایی مبتنی بر اساسنامه رُم، اقدامات و یافته‌های این محکمه در مورد افغانستان و نیز عکس‌العمل دولت افغانستان نسبت به درخواست‌های مکرر دفتر خارنوالی محکمه برای بازدید از افغانستان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: محکمه بین‌المللی جزایی، افغانستان، جرایم بین‌المللی، اساسنامه رُم و صلاحیت‌های محکمه بین‌المللی جزایی.

۱- چگونگی به وجود آمدن محکمه بین‌المللی جزایی

با گسترش جهانی شدن روابط در عرصه‌های مختلف و ایجاد نظریه صلح و امنیت جهانی، قبل از وقوع جنگ دوم جهانی، نظریه داشتن یک نهاد بین‌المللی، با صلاحیت رسیدگی به آن دسته از جرایم که صلح و امنیت جهانی را به خطر مواجه می‌سازد نیز به وجود آمد. بعد از جنگ دوم جهانی این نظریه تقویت یافت. محاکم بین‌المللی نظامی نورمبرگ و توکیو سرآغاز عملی برای تطبیق این نظریه بود. اما این دو محکمه از نظر زمانی، موضوعی و مکانی محدود به جرایم بودند که در جریان جنگ دوم جهانی توسط حزب نازی آلمان و نظامیان آن زمان جاپان اتفاق افتاده بودند (۱). بعد از ختم کار این دو محکمه، نظریه داشتن یک محکمه دائمی بین‌المللی بیش‌تر از پیش مطرح و توسط نهادهای دانشگاهی مورد حمایت قرار گرفت. در فاصله بین جنگ دوم جهانی و سال ۱۹۹۸ این نظریه گاهی با قوت و گاهی نیز با سکوت همراه بود. تا اینکه در سال ۱۹۹۸ تعداد قابل توجهی از نمایندگان کشورها در شهر رُم ایتالیا گرد هم آمدند و طی گفتگوهای سنگین و جدی، اساسنامه اولین محکمه دائمی بین‌المللی، با صلاحیت جزایی بین‌المللی، بدون محدودیت زمانی بعد از تأسیس را به تصویب رساندند (۲). بعد از ختم کار محاکم نورمبرگ و توکیو تصویب این اساسنامه انقلاب بزرگی در حقوق جزای بین‌الملل به وجود آورد. تا اینکه با پیوستن ۶۰ کشور به این اساسنامه، محکمه بین‌المللی جزایی در جولای ۲۰۰۲ در شهر لاهه کشور هالند عملاً ایجاد و به کار خود آغاز کرد.

۲- وضعیت کنونی محکمه بین‌المللی جزایی

محکمه تا همین لحظه ۱۲۴ دولت عضو دارد که شامل بر ۳۴ کشور افریقایی، ۱۹ کشور آسیایی، ۱۸ کشور اروپای شرقی، ۲۸ کشور از امریکای لاتین و ۲۵ کشور از اروپای غربی و چند جای دیگر می‌شود.

افغانستان در فبروری ۲۰۰۳ درخواست عضویت خویش را ارایه و در اول می همان سال عضویت آن محکمه را بدست آورد. وضعیت ده کشور به شمول افغانستان در مرحله ارزیابی‌های مقدماتی قرار دارد. دفتر خارنوالی درخواست خویش را به پری ترایل چمبر برای اخذ اجازه آن نهاد به منظور آغاز تحقیق در چهار کشور را ارایه کرده است. وضعیت ده کشور به شمول نه کشور افریقایی و گرجستان به عنوان تنها کشور غیر افریقایی در مرحله تحقیق قرار دارد. ۶ دوسیه در محکمه ابتداییه و ۱ دوسیه در محکمه استیناف، ۲ دوسیه در مرحله عمل برای جبران خساره است. ۵ دوسیه دیگر مختومه اعلان گردیده است (۳).

دو توضیح

اول: پری ترایل چمبر نهادیست در ساختار محکمه بین‌المللی جزایی که تمام اقدامات دفتر خارنوالی محکمه را از آغاز کار تا اقامه دعوا نزد محکمه ابتداییه نظارت می‌کند. دفتر خارنوالی قبل از آغاز تحقیق در یک کشور ملزم به کسب اجازه این نهاد نیز می‌باشد.

دوم: هدف قرارداد کشورهای افریقایی سبب نارضایتی اتحادیه افریقا از آن محکمه گردیده است. این نارضایتی بعد از ارجاع دوسیه سودان به محکمه توسط شورای امنیت سازمان ملل بیش‌تر شده است تا حدی که اتحادیه افریقا در پی کسب رضایت اعضای خویش برای خروج از محکمه هستند. البته این نارضایتی تنها به اتحادیه افریقا خلاصه نمی‌شود بلکه در سال ۲۰۱۲ قربانیان جنگ و فعالین مدنی افغانستان نیز طی تظاهراتی محکمه بین‌المللی جزایی را در بی توجهی نسبت به افغانستان محکوم کردند. با توجه به محدودیت‌های مالی و ساختاری که محکمه دارد، ضرور به نظر می‌رسد تا توازن لازم را میان اعضای خویش رعایت نماید.

۳- صلاحیت‌های محکمه بین‌المللی جزایی

محکمه بین‌المللی جزایی دارای پنج نوع صلاحیت است که عبارت اند از صلاحیت موضوعی، صلاحیت زمانی، صلاحیت مکانی، صلاحیت شخصی و صلاحیت تکمیلی (۴).

الف) صلاحیت موضوعی: براساس ماده ۵ اساسنامه رم، محکمه تنها به چهار جرم صلاحیت رسیدگی دارند که عبارتند از جرم نسل کشی، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و جرم تعرض یک کشور به کشور دیگر. متأسفانه محدودیت زمانی، فرصت تعریف این جرایم را اکنون نمی‌دهد اما از نظر ماهیت این چهار جرم به دلیل شدت قبوح و تخریب کننده امنیت و صلح جهانی در حقوق جزای بین‌الملل به عنوان جرایم بین‌المللی شناخته شده‌اند.

ب) صلاحیت زمانی: صلاحیت زمانی محکمه از جولای ۲۰۰۲ نسبت به کشورهای که قبل از این تاریخ عضویت محکمه را کسب کرده‌اند یا نسبت به وضعیت‌های است که شورای امنیت سازمان ملل به محکمه ارجاع داده است. اما نسبت به کشورهای که بعد از جولای ۲۰۰۲ عضویت محکمه را کسب کرده است، صلاحیت زمانی محکمه از زمان عضویت آن کشور آغاز می‌گردد. مثلاً افغانستان عضویت محکمه را در اول می ۲۰۰۳ اخذ نموده است، بنابراین، محکمه به جرایم ارتکاب یافته در قلمرو افغانستان بعد از همین تاریخ صلاحیت رسیدگی دارد مگر اینکه شورای امنیت سازمان ملل از محکمه درخواست رسیدگی کند که در این صورت صلاحیت زمانی محکمه از همان جولای ۲۰۰۲ است. در کل، محکمه صلاحیت رسیدگی به جرایم که قبل از جولای ۲۰۰۲ ارتکاب یافته‌اند را ندارد. متأسفانه اطلاعات و آگاهی درست نسبت به صلاحیت زمانی محکمه نزد سیاست‌گذاران افغانستان وجود ندارد و این موضوع سبب به درازا کشیدن تصمیم افغانستان در مورد اجازه بازدید هیات محکمه بین‌المللی از افغانستان گردیده است. در این مورد بعداً توضیح داده خواهد شد.

ج) صلاحیت مکانی: این صلاحیت می‌گوید که محکمه بین‌المللی جزایی تنها می‌تواند به جرایم مندرج ماده ۵ که در قلمرو حقوقی کشورهای عضو ارتکاب یافته است رسیدگی کند. با آنکه کشورهای ابرقدرت دنیا، چون ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه، عضویت این محکمه را ننگرفته‌اند اما عضویت ۱۲۴ کشور وسعت صلاحیت مکانی محکمه را به اندازه کافی جهانی ساخته است. یکی از وضعیت‌های که در مرحله ارزیابی مقدماتی نزد دفتر خارنوالی محکمه قرار دارد، ارتکاب جرم شکنجه توسط سربازان انگلیسی در قلمرو عراق است.

د) صلاحیت شخصی: صلاحیت شخصی به معنی این است که اگر اتباع کشورهای عضو مرتکب جرایم تحت صلاحیت محکمه گردد، از پیگرد عدلی قضایی محکمه مصون نخواهد بود. مثلاً اگر یک افغان در قلمرو یکی از کشورهای غیر عضو مرتکب جرم جنگی شود، مرتکب به دلیل

اینکه تبعه افغانستان است و افغانستان عضویت محکمه را دارا است، تحت صلاحیت رسیدگی عدلی-قضایی محکمه بین‌المللی جزایی قرار می‌گیرد.

ه) صلاحیت تکمیلی: در میان پنج نوع صلاحیت محکمه بین‌المللی جزایی، اما، صلاحیت تکمیلی قابلیت بحث بیش‌تر را دارد. صلاحیت تکمیلی زاده اساسنامه رم در حقوق جزای بین‌الملل است. این صلاحیت یکی از دلایل عمده در به توافق رسیدن کشورها برای ایجاد محکمه بین‌المللی جزایی بود. کشورها، دوست نداشتند که حاکمیت ملی شان توسط یک نهاد بیرونی محدود شود یا صدمه ببیند. اصولاً، محکمه بین‌المللی جزایی در پی مرتکبین قدرتمند و کسانی هستند که دولت عضو توانایی یا اراده محاکمه کردن آنان را ندارد. از جانب دیگر، ارتکاب جرم به معنی صدمه زدن به حاکمیت ملی کشورها است و این حق طبیعی و اولیه کشورها است تا مجرم را خود محاکمه کند. دادن صلاحیت به یک نهاد بیرونی بدیل از این دو جهت منافی حاکمیت ملی کشورها بود. اساسنامه رم برای اینکه تا حدی این ترس دولت‌ها را کاهش داده باشد، موضوع صلاحیت تکمیلی را مطرح کرد. صلاحیت تکمیلی می‌گوید که محاکمه مرتکبین جرایم بین‌المللی حق اولیه کشورهای است که جرم در قلمرو آن اتفاق افتاده است اما اگر آن کشور توان یا اراده رسیدگی به آن جرایم را نداشت، محکمه بین‌المللی جزایی صلاحیت رسیدگی می‌یابد. با آنکه این مکانیزم تا حدی محافظت‌کننده حاکمیت ملی کشورها است اما به صورت کامل نیست. به این دلیل که اگر دولت عضو اراده نداشته باشد، محکمه بدون اراده آن کشور حق مداخله دارد و این چیزی نیست که حاکمیت ملی پذیرایش باشد. روی هم رفته اما این به نفع عدالت است. محکمه بین‌المللی جزایی حتی می‌تواند عالی‌ترین مقام یک کشور، چون رئیس‌جمهور، را محاکمه کند که شاید محاکمه‌ء وی در کشورش کار ناممکن اگر نباشد، دشوار است.

۴- جایگاه افغانستان نزد محکمه بین‌المللی جزایی

چنانچه در بالا ذکر شد، افغانستان عضویت محکمه را در اول می ۲۰۰۳ اخذ نمود. از سال ۲۰۰۷ دفتر خارنوالی محکمه وضعیت افغانستان را مورد ارزیابی مقدماتی قرار داده است. این دفتر، از سال ۲۰۱۱ تاکنون هر سال یک گزارش مختصر در مورد افغانستان تحت عنوان گزارش مقدماتی نشر کرده است (۵). در این گزارش‌ها وضعیت افغانستان را با محوریت توجه به ماده ۱۳ و ۱۵ اساسنامه رم که در مورد صلاحیت تکمیلی محکمه است، بررسی کرده است.

ماده ۱۳ روشهای اقامه دعوت نزد محکمه را بیان می‌کند. اولین روش این است که کشور عضو درخواست خویش مبنی بر رسیدگی دوسیه‌ای را خود به محکمه ارسال نماید (یوگاندا). دومین روش این است که شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست رسیدگی از محکمه نماید (سودان). اما سومین روش این است که محکمه براساس صلاحیت ذاتی خویش اقدام به رسیدگی کند. در روش سوم دفتر خارنوالی خود تحقیق مقدماتی را انجام داده و شرایط اینکه آیا محکمه صلاحیت استفاده از صلاحیت ذاتی خود را دارد در این مرحله مورد بررسی قرار می‌دهد. در صورتی که برای دفتر خارنوالی شرایط لازم مداخله (چنانچه در ماده ۱۵ ذکر شده است) ثابت شود برای اقدامات عدلی و قضایی از پری ترایل چمبر اجازه می‌گیرد (گرجستان). در مورد افغانستان اما، نه دولت افغانستان و نه شورای امنیت سازمان ملل متحد از محکمه درخواست کرده است. تنها راه برای محکمه استفاده از همان صلاحیت ذاتی اش است.

شرایط مندرج ماده ۱۵ کدام‌ها اند و دفتر سارنوالی محکمه در مورد افغانستان به کدام نتایج رسیده است؟

برای اینکه محکمه بتواند در افغانستان اقدامات عدلی و قضایی خویش را شروع کند نیازمند این است که سه شرط مطروحه در ماده ۱۵ اساسنامه را در افغانستان تشخیص دهد و پری ترایل چمبر را در مورد فراهم بودن آن شرایط قانع سازد. این شرایط عبارت اند از:

یکم: حداقل یکی از جرایم که در صلاحیت محکمه است در قلمرو افغانستان اتفاق افتاده باشد. دوم: دولت افغانستان توانایی یا اراده رسیدگی به این جرایم را نداشته باشد. سوم: قربانیان از محکمه بین‌المللی جزایی خواستار رسیدگی عدلی و قضایی در آن مورد شده باشند.

در شش گزارشی که دفتر خارنوالی محکمه تا اکنون در مورد وضعیت افغانستان نشر کرده است (۶). ارتکاب دو دسته از جرایم مندرج ماده ۵ اساسنامه رم در قلمرو افغانستان بعد از عضویت افغانستان در آن محکمه را شناسایی نموده است. در گزارش‌ها گفته شده است که ۷ نمونه از دسته جرایم جنگی و ۲ نمونه از دسته جرایم علیه بشریت توسط طرفین جنگ اتفاق افتاده است. از گروه‌های مخالف دولت افغانستان در ارتکاب هر ۹ نوع و از حکومت افغانستان و حامیان بین‌المللی آن در ارتکاب جرم شکنجه و آزار و اذیت جنسی نام برده است. پس شرط اول ذکر رفته در ماده ۱۵ در مورد افغانستان ثابت شده است.

دوم: ثابت شدن ناتوانی یا بی ارادگی ملی در رسیدگی به جرایم ارتکاب یافته بین المللی شرط دوم است. در چهار گزارش اخیر از شش گزارش خویش، دفتر سارنوالی محکمه بیش تر تکیه بر روی بی ارادگی حکومت افغانستان کرده است و از قانون عفو عمومی به عنوان سندی برای تأیید این ادعای خویش سود جسته است.

کار مسوده قانون عفو عمومی در سال ۲۰۰۵ توسط پارلمان قبلی آغاز شد و بعد از تصویب برای توشیح به رییس جمهور کرزی ارسال گردید (۷). رییس جمهور کرزی این قانون را نه توشیح و نه رد کرد. براساس ماده ۹۴ قانون اساسی هرگاه مصوبهء مجلسین شورای ملی بدون عکس عمل به مدت ۱۵ روز نزد رییس جمهور باقی بماند، آن مصوبه توشیح شده محسوب گردیده و در جریده رسمی به عنوان قانون نافذ باید نشر گردد. این قانون به همین روش در ۲۰۰۷ نشر گردید. مدافعین عدالت انتقالی و حقوق بشر در سال ۲۰۰۹ از وجود این قانون مطلع شدند. این قانون دارای ۶ ماده است. در ماده سوم آن گفته شده است، کسانی که در گذشته مرتکب جرایم جنگی یا جنایت علیه بشریت شده است و اکنون سلاح خود را گذاشته اند و یا کسانی که در حال جنگ علیه جمهوری اسلامی افغانستان هستند و سلاح خود را گذاشته به پروسه صلح می پیوندند، مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار نمی گیرند. دفتر خارنوالی محکمه با استناد به همین عفو عمومی مرتکبین و نیز جریان داشتن پروسه صلح با گروه های مرتکب، به این نتیجه رسیده است که دولت افغانستان اراده رسیدگی به این جرایم را ندارد. البته در آخرین گزارش خویش که در نوامبر ۲۰۱۶ نشر شده است، دفتر خارنوالی محکمه اذعان کرده است که هنوز در این مورد نیازمند تحقیقات بیش تر است. از همین رو، با حکومت افغانستان در تماس شده است تا فرصت بازدید یک هیأت بلند پایه محکمه را از افغانستان فراهم کند. این بازدید بیش تر با مقامات دولتی، نهادهای مدنی و تعدادی از قربانیان خواهد بود. پس شرط دوم متذکره در ماده ۱۵ در مورد افغانستان نزد محکمه در مرحله نهایی شدن است.

سوم: شرط سوم اما این است که مداخله محکمه در یک وضعیت به نفع تأمین عدالت در آن وضعیت باشد. یا به عبارت دیگر قربانیان آن جرایم خواستار مداخله محکمه باشد. برای تشخیص نفع عدالت، خواست قربانیان مهم است. محکمه اگرچه در گزارش های خود در این مورد اسناد محکمی ارایه نکرده است اما گفته است که برای محکمه این ثابت نشده است که مداخله به ضرر

تأمین عدالت باشد. براساس منابع و آخرین گزارش مقدماتی، دفتر څارنوالی محکمه، درخواست برای اخذ اجازه پری ترایل چمبر به منظور آغاز تحقیق در افغانستان را آماده کرده است و در استان به ارسال آن درخواست به آن نهاد می-باشد.

۵- اقدامات افغانستان به عنوان عضوی محکمه بین المللی جزایی

در جنوری ۲۰۱۶، بعد از تماس های مکرر دفتر سارنوالی محکمه بین المللی جزایی با دولت افغانستان در مورد اخذ ویزا برای بازدید، حکومت افغانستان یک کمیته بین الوزارتی را ایجاد کرد (۸). این کمیته توسط معاون دوم رییس جمهور رهبری می گردید. کمیته در اول آگست گزارش خود را به شورای امنیت ملی ارسال کرد. در این گزارش از حمایت همکاران بین المللی افغانستان در مورد بازدید محکمه از این کشور، نشر اساسنامه رم به دوزبان ملی، و بررسی دوسیه های مرتبط به صلاحیت محکمه که در افغانستان رسیدگی شده است صحبت کرده اند. در گزارش هم چنان گفته است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد مکانیزم چگونگی همکاری بین حکومت افغانستان و محکمه کار می کند اما به دلیل حساسیت و حجم بزرگ کار نیازمند وقت بیش تر است. در آخرین نشست این کمیته، فیصله شده است که با آمدن هیأت محکمه بین المللی جزایی برای بازدید از افغانستان موافقه کرده اند اما تصمیم نهایی را شورای امنیت ملی خواهد گرفت. با آنکه تا هنوز شورای امنیت ملی برای هیأت سارنوالی محکمه اجازه صدور ویزا را نداده است اما منابع می گویند که تماس های میان حکومت افغانستان و محکمه صورت گرفته است. هیأت دو نفره از جانب افغانستان با مقام لوی سارنوالی و رییس محکمه بعد از نشر ششمین گزارش مقدماتی دیدار کرده است.

گزارش کمیته بین الوزارتی در مورد رسیدگی به دوسیه های مرتبط به صلاحیت محکمه بین المللی گفته است که تنها دو قضیه شکنجه مورد تحقیق سارنوالی افغانستان قرار گرفته است اما نمی داند که آیا در محاکم نیز ارسال شده است یا خیر. این دو قضیه مرتبط به شکنجه زندانیان طالب توسط پلیس و امنیت ملی می شود که بعد از گزارش یونما در مورد موجودیت شکنجه در محابس و توقیف خانه های افغانستان مورد بررسی یک کمیته خاص حکومتی قرار گرفت.

مورد که در گزارش نیامده است اما یک قدم مثبت است، جرم انگاری جرایم مندرج در اساسنامه رم در مسوده کد جزایی است (۹). مسوده کد جزایی در اول اکتبر ۲۰۱۶ توسط کابینه

در اصول مورد تأیید قرار گرفت اما هنوز باید روی آن کار شود. عضویت افغانستان در محکمه بین‌المللی جزایی حداقل سبب این شده است تا حکومت افغانستان مجبور به جرم انگاری جرایم بین‌المللی برای نخستین بار در سیستم حقوقی افغانستان گردد. با آنکه افغانستان یک کشور در جنگ بوده است اما هرگز قانون که جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت را جرم بداند وجود نداشته است. تعداد انگشت شماری از مرتکبین جرایم بین‌المللی در افغانستان محاکمه شده است یا در حال محاکمه شدن هستند. اما محاکمه آنها با استناد به قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی بوده است یا از فقه استفاده شده است. مثلاً، در محکمه اسدالله سروری، رییس آگسا، نهاد امنیت ملی دوران ریاست جمهوری نور محمد تره‌کی که توسط محکمه ابتداییه امنیت در سال ۲۰۰۶ صورت گرفت، از ماده ۱۳۰ قانون اساسی که به فقه ارجاع داده شده است، استفاده شده بود (۱۰). دو نمونه دیگر از محاکمه متهمین به ارتکاب جرایم جنگی، محاکمه دو تن از سران شبکه حقانی، انس حقانی و حافظ رشید، توسط یکی از محاکم ابتدایی افغانستان است. براساس خبرهای که در مورد آن یک ماه قبل در رسانه‌ها نشر شده گفته می‌شود در محاکمه آنان از قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی استفاده شده است.

نتیجه‌گیری

گزارش‌های مقدماتی دفتر خارنوالی محکمه بین‌المللی جزایی و نیز یافته‌های نگارنده این نکته را می‌رساند که شرایط مندرج در ماده ۱۵ اساسنامه رم برای آغاز روند تحقیق توسط دفتر خارنوالی در وضعیت افغانستان فراهم است. متأسفانه، از زمان عضویت افغانستان در محکمه، جرایم جنگی و علیه بشریت در افغانستان به صورت گسترده و سیستماتیک توسط طرف‌های درگیر ارتکاب یافته است. علاوه بر اینکه دولت افغانستان اراده و توانایی محاکمه عاملان آن جرایم را ندارد، وضعیت امنیتی و جریان منازعه محاکمه عاملان را به چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. قربانیان و خانواده‌های آنان به صورت مکرر خواستار تأمین عدالت نسبت به خویش شده‌اند. ماده ۱۵ نه تنها به محکمه صلاحیت رسیدگی داده است بلکه محکمه را ملزم به رسیدگی کرده است. این بدین معنی است که جرایم ارتکاب یافته تحت صلاحیت محکمه نمی‌تواند بدون رسیدگی عدلی و قضایی رها شود.

(۱) کیتی شیایزری، کریانگ ساک، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد

- اسماعیلی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳.
- (۲) وبسایت محکمه بین المللی جزایی.
- (۳) همان، دسامبر ۲۰۱۶.
- (۴) اساسنامه رُم.
- (۵) وبسایت محکمه بین المللی جزایی، گزارش های مقدماتی، افغانستان.
- (۶) کلارک، کیت و قانع، احسان، یک گام نزدیک تر به رسیدگی جرایم جنگی: آخرین گزارش محکمه بین المللی جزایی، نشر شد در وب سایت شبکه تحلیلگران افغانستان، نوامبر ۲۰۱۶.
- (۷) کووو، ساری و گوسمن، پتریشیا، به ما بگو این چگونه خاتمه میابد: بحثی در مورد عدالت انتقالی، نشر شد در وبسایت شبکه تحلیلگران افغانستان، جون ۲۰۱۳.
- (۸) وبسایت دفتر مقام دوم ریاست جمهوری افغانستان، جنوری ۲۰۱۶.
- (۹) مسوده کد جزای افغانستان، دسامبر ۲۰۱۶.
- (۱۰) قانع، احسان و کووو، ساری، جرایم جنگی در افغانستان: اسدالله سروری از زندان آزاد شد، نشر شده در وبسایت شبکه تحلیلگران افغانستان، دسامبر، ۲۰۱۶.